

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی  
۱۴ نومبر ۲۰۲۳



نعیم سلیمی

## چند نکته پیرامون «مبارزه» و «تجربه»

در این تازگی ها به یک متن پارادوکسیکال [متناقض] و وجیزه گونه ای که در روزگار ما بیشتر مروج است در صفحات اجتماعی سرخوردم:

«مبارزه انسان را داغ می کند و تجربه انسان را پخته،

هرداغی روزی سردمی شود

ولی هیچ پخته ای دیگر خام نمی شود.»

ظاهر این متن اقتباسی که نمی دانم مؤلف آن کیست، جالب و جذاب به نظر می رسد که شاید صدها نفر آن را پسند نموده و برای آن کف بزنند. اما به تصور من این متن و نویسنده آن در جایی می لنگد:

اولاً، در این نوشته پیکار، تلاش و مبارزه انسانی به طور میکانیکی، مجرد و انتزاعی آن از تجربه انسانی مجزا می گردد که منطقی نیست.

دوم، این که مبارزه خودش یک تجربه انسانیت است که مردم در زندگی روزمره از آن می آموزند و به پختگی می رسند. در پایان و نتیجه گیری یادآوری شوم که هرگاه مبارزه با تجارب پویای انسانی در آمیزد و یکجا شود، نه تنها که به سردی نمی گراید، بلکه حتی چون فولادی آبدیده شده و به مسیر خود ادامه می دهد؛ درست مانند جریان حرکت امواج بحری که دارای جزر ومدی اند و هر جزری درین جریان عروج دیگری را با خود به همراه دارد. بیائید تا این درهم آمیختن و تعامل را در دیالوگ منطقی ساحل افتاده باموج بحری از «پیام مشرق» اقبال لاهوری بخوانیم:

ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم

موج ز خود رفته ای تیز خرامیدوگفت

هیچ نه معلوم شد آه که من چیستم

هستم اگر می روم گر نروم نیستم